

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ایران اسلامی

بررسی نقش اتابکان آذربایجان در تحولات سیاسی، اجتماعی،
فرهنگی و مذهبی در منطقه اران و قفقاز

توسط:

قمر پورمحمدی

استاد راهنما:

دکتر سید ابوالقاسم فروزانی

تیرماه ۱۳۸۴

کتابخانه اطلاعات آرکائیو ملی
شهر شاهرود

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۵

۱۰۴۵۷۰

به نام خدا

بررسی نقش اتابکان آذربایجان در تحولات سیاسی، اجتماعی،
فرهنگی و مذهبی در منطقه آران و قفقاز

به وسیله:

قمر پور محمدی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

تاریخ ایران اسلامی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: خیلی

دکتر سید ابوالقاسم فروزانی، استادیار بخش تاریخ (رئیس کمیته)

دکتر عبدالرسول خیراندیس، استادیار بخش تاریخ

دکتر محمد علی رنجبر، استادیار بخش تاریخ

تیرماه ۱۳۸۶

تقدیم به:

روح مهربان برادر شهیدم سروان علی اکبر پور محمدی که وقتی رشته تاریخ را گزیدم
فکر می کرد روزی مورخ می شوم.

پدر و مادر عزیزم که همواره در زندگی حامی و پشتیبانم بوده و هستند.

استاد راهنمای عزیزم جناب آقای دکتر فروزانی که با آموزش درس تاریخ دریچه تازه-
ای از علم و دانش را به رویم گشود.

معلم کلاس اول دبستانم سر کار خانم خویبار که خواندن و نوشتن به زبان شیرین
فارسی را به من آموخت.

همسر مهربانم که درس عشق و وفا، راستی و صداقت را به من آموخت.

و همه معلمها و اساتید خوب و نازنین دوره ی تحصیلم.

سپاسگزاری

ای خدا ای لطف تو حاجت روا
قطره دانش که بخشیدی ز پیش
بی تو یاد هیچ کس نبود روا
متصل گردان به دریا‌های خویش
وارهانش از هوا وز خاک تن
قطره‌ی علم است اندر جان من

خدای بزرگ را به خاطر همه الطاف بیکرانی که در طول زندگی و تحصیلم به من ارزانی داشته
ممنون و سپاسگذارم. امید که از آغاز تا پایان زندگی حرفه‌ایم همواره با یادش درست بیندیشم و
عمل کنم.

از استاد راهنمای فرزانه‌ام جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم فروزانی که در کار خلاقیت و سخت-
کوشی و در زندگی ساده زیستی را به من آموختند؛ سپاسگذارم.

از استاد مشاور مهربانم جناب آقای دکتر عبدالرسول خیراندیش که صبورانه مرا در راستای این
پژوهش راهنمایی و در تمامی مراحل با حسن خلق بهترین معلم بودند سپاسگذارم.

از جناب آقای دکتر محمد علی رنجبر، استاد مشاورم و رئیس محترم بخش تاریخ به خاطر
مشورت‌های سازنده‌شان نیز سپاسگذارم.

از جناب آقای دکتر علی اکبر نحوی نماینده محترم تحصیلات تکمیلی به خاطر زحماتی که
برایشان داشته‌ام سپاسگزاری می‌نمایم.

از زحمات همه اساتید محترم بخش تاریخ به ویژه دکتر وطن دوست، دکتر ندیم، دکتر موسوی،
دکتر خاکرند، دکتر مرادی خلج، دکتر پوراحمدی، دکتر حاجیان و دکتر نوذری قدردانی می‌نمایم. از
کارکنان بخش تاریخ به خاطر همکاری‌های صمیمانه‌شان سپاسگذارم.

از پدر و مادر مهربانم، خواهران خوبم فرنگیس، نرگس، منیژه، بتول و سعیده و برادران عزیزم
علی محمد، مهدی، علی اصغر، و زنده یاد علی اکبر و همسر عزیزم حسین که در طی تمام دوران
زندگی و تحصیل همیشه پشتیبان و حامیم بودند متشکرم.

از دوستان عزیزم خانمها، مرجان برهانی، مریم غلامی، صدیقه فرح، حدیثه سالاری، ام‌البنین
محمدی نژاد، سمیه کشاورز، معصومه بابایی، راضیه شیرین حصار، خانم دکتر پاک‌کیش، یاسمن
یاری، زهرا شاهمرادی و آقایان بهمن شهریاری، علی‌اکبر زینل پور، عباس کرم نژاد ناصر رهنما،
سید محمد رضا کاظمی، علیرضا احمدی که با همدلی و همفکری همواره پشتیبانم بوده‌اند ممنونم.

چکیده

بررسی نقش اتابکان آذربایجان در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در منطقه اران و قفقاز

به وسیله‌ی:

قمر پورمحمدی

سرزمین اران و قفقاز واقع در شمال رود ارس از دیرباز جزئی از کشور ایران به شمار می‌آمده است و تنها در دوره معاصر و پس از جنگ‌های ایران و روس از ایران در قرن نوزدهم میلادی جدا شده است. همیشه این ایالت عرصه اقدامات و فعالیت‌های حکمرانان ایران بوده است. یکی از سلسله‌های ایرانی که فعالیت‌های شایان توجهی در این منطقه انجام داده‌اند، سلسله اتابکان آذربایجان (۶۲۲-۵۲۱ق) می‌باشند. آن‌چه در این پایان‌نامه مورد بررسی قرار گرفته است، نقش اتابکان آذربایجان در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در منطقه اران و قفقاز می‌باشد. اقدامات سیاسی و نظامی اتابکان آذربایجان در این منطقه منحصر به رویارویی‌های آنان با گرجیان می‌گردد. گرجیان از آغاز فرمانروایی اتابکان آذربایجان، یورش‌های پیشین خود را به خاک اران ادامه دادند و دودمان ایلدگزی (اتابکان آذربایجان) هیچ‌گاه نتوانستند به این یورش‌ها پایان دهند. در زمینه اقدامات فرهنگی اتابکان آذربایجان، می‌توان به حمایت آنان از شاعران ساکن در قلمرو آنان و به ویژه در منطقه اران و قفقاز اشاره کرد. همیشه دربار آنان پذیرای شاعران و ادیبان بوده است. در خلال فصول پایان‌نامه به برخی از اقدامات اجتماعی و مذهبی اتابکان آذربایجان در سرزمین نامبرده اشاره شده است.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
پیشگفتار.....	۱.....
موضوع تحقیق.....	۲.....
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۳.....
پرسش های تحقیق.....	۴.....
فرضیه های تحقیق.....	۴.....
روش تحقیق.....	۵.....
پیشینه تحقیق.....	۵.....
بررسی و نقد منابع.....	۶.....
۱- مختصری درباره اتابکان آذربایجان.....	۹.....
۱-۱ نهاد اتابگی.....	۹.....
۲-۱ شمس الدین ایلدگز بنیانگذار سلسله اتابکان آذربایجان.....	۱۱.....
۳-۱ نصرت الدین محمد بن ایلدگز (حک ه. ق. / ۱۱۷۵-۱۱۸۶ م.).....	۱۷.....
۴-۱ مظفرالدین قزل ارسلان عثمان (۵۸۲-۵۸۷ ق. / ۱۱۹۱-۱۱۸۶ م.).....	۲۰.....
۵-۱ نصرت الدین ابوبکر بن محمد (حک ۵۸۷-۶۰۷ ق. / ۱۱۹۱-۱۲۱۰ م.).....	۲۱.....
۶-۱ مظفرالدین ازبک بن محمد (حک ۶۰۷-۶۲۲ ق. / ۱۲۱۰-۱۲۲۵ م.).....	۲۳.....
۷-۱ اتابک خاموش قزل ارسلان بن ازبک.....	۲۵.....
۸-۱ اسامی اتابکان آذربایجان و زمان هر یک از آنان.....	۲۶.....
۲- اوضاع سیاسی حکومت سلجوقی در آستانه بر آمدن اتابکان آذربایجان.....	۲۷.....
۱-۲ مرگ ملکشاه، سرآغاز ضعف حکومت سلجوقیان.....	۲۷.....
۳- جغرافیای سرزمین آران و قفقاز.....	۴۱.....
۱-۳ حدود جغرافیایی آران.....	۴۱.....
۲-۳ شهرهای آران.....	۴۳.....
۳-۳ زبان مردم آران.....	۴۷.....
۴-۳ جغرافیای تاریخی آران.....	۴۸.....
۵-۳ آران یا جمهوری آذربایجان؟.....	۵۱.....

۴- اقدامات سیاسی و نظامی اتابکان آذربایجان در منطقه آران و قفقاز از آغاز زمامداری اتابک ایلدگز تا مرگ اتابک ابوبکر	۵۳
۱-۴ وقایع سیاسی - نظامی آران و قفقاز در دوره زمامداری ایلدگز	۵۳
۲-۴ رویدادهای سیاسی - نظامی آران و قفقاز در دوره زمامداری جهان پهلوان	۵۸
۳-۴ اوضاع سیاسی - نظامی آران و قفقاز در دوره زمامداری قزل ارسلان	۵۸
۴-۴ وقایع سیاسی - نظامی آران و قفقاز در دوره زمامداری اتابک ابوبکر بن جهان پهلوان	۵۹
۵- اوضاع سیاسی - نظامی آران و قفقاز در دوره فرمانروایی اتابک ازبک	۶۵
۱-۵ اتابک مظفرالدین ازبک بن جهان پهلوان	۶۵
۲-۵ مغولان و گرجیان	۶۷
۳-۵ ورود جلال الدین خوارزمشاه به قلمرو ایلدگزیان	۷۲
۶- اقدامات فرهنگی - ادبی اتابکان آذربایجان در آران و قفقاز	۷۸
۱-۶ نظامی گنجوی	۷۹
۲-۶ خاقانی	۸۷
۳-۶ اثیرالدین اخسیکتی	۸۹
۴-۶ ظهیرالدین فاریابی	۹۳
۵-۶ مجیر بیلقانی	۹۵
۶-۶ جمال الدین اصفهانی	۹۸
۷-۶ اثیرالدین اومانی	۹۹
۰-۷ نتیجه	۱۰۰
کتابنامه	۱۰۴
مقالات فارسی	۱۱۰
مقالات انگلیسی	۱۱۰

پیشگفتار

پس از گسترش اسلام در ایران، مرزهای شمال شرقی قلمرو اسلامی با اقامتگاه‌های ترکان در آسیای مرکزی مجاور گردید. از آن پس، از رهگذر غزای مردمان دارالاسلام (قلمرو اسلامی) با ساکنان غیرمسلمان آن نواحی که از دیدگاه مسلمانان به عنوان دارالکفر و دارالحرب شناخته می‌شدند، شمار زیادی از ترکان اسیر و به قلمرو اسلام منتقل شدند. همچنین بسیاری از ترکان که در نبردهای قبیله‌ای به بند درمی‌آمدند، به دست قبایل فاتح در مرزها به تاجران برده فروخته می‌شدند و توسط آنان برای فروش به دورترین نقاط قلمرو اسلامی گسیل می‌گردیدند. ترکان یادشده به وسیله اربابان ثروتمند مسلمان خویش با توجه به ویژگی‌ها و توانایی‌های خود در امور گوناگون به کار گرفته می‌شدند (فرای، ۱۳۶۵، ۸-۱۶۶).

در ایران برای نخستین بار در حکومت سامانیان، از جوانان ترک در سپاه استفاده گردید. اما به مرور زمان، ترکان در سپاه سامانیان نقش آفرین گردیدند. از میان همین ترکان، آلبتگین که به مقام سپهسالاری سامانیان رسیده بود، حکومت غزنوی را پی افکند (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳، ۲۹-۳۱).

سلسله غزنوی که در عهد سلطان محمود (۴۲۱-۳۸۹ق) به اوج قدرت رسیده بود، در دوره سلطان مسعود غزنوی (۴۳۲-۴۲۲ق) با حضور دردسرافرین ترکمانان سلجوقی که شعبه‌ای از ترکان تغزاغز بودند، روبرو شد. سلجوقیان به رهبری طغرل پس از سال‌ها جنگ و گریز، سرانجام در سال ۴۳۱ هـ در نبرد سرنوشت ساز دندانقان، (بین مرو و سرخس) بر سپاه غزنوی پیروز و به سرزمین ایران سرازیر گردیدند (باسورث، ۱۳۶۴، ۱۷-۱۵).

آنان با بهره‌برداری مناسب از فرصت به سرزمین‌هایی گسترده دست یافتند و در عهد سلطنت ملکشاه سلجوقی (۴۸۵-۴۶۵ق) قلمرو این سلسله از سواحل دریای مدیترانه تا کاشغر (در ترکستان چین) می‌رسید (راوندی، ۱۳۶۴، ۱۲۹).

بر اساس سنت رایج در میان سلجوقیان، حکومت نواحی گوناگون قلمرو آنان به شاهزادگان جوان سلجوقی واگذار می‌گردید. این شاهزادگان تحت سرپرستی ترکی خردمند و کارآزموده قرار می‌گرفتند و رموز حکومت را از او می‌آموختند. مریبان یادشده عنوان اتابک (پدر معنوی =

پدر بزرگ) داشتند. برخی از اتابکان از سستی حکومت مرکزی سلجوقی به نفع خویش بهره‌برداری کردند. آنان به ویژه پس از مرگ سلطان محمد بن ملک‌شاه در سال ۵۱۱ هـ قدرت بسیار کسب کردند (باسورث، ۱۳۷۹، ۱۱۴). درگیری‌های بزرگان خاندان سلجوقی این امکان را برای اتابکان فراهم آورد تا در قلمرو شاهزاده سلجوقی تحت تربیت خود، به صورت نیمه‌مستقل و گاهی حتی مستقل، حکومت کنند. در این میان، بعضی از اتابکان موفق شدند، بی‌اعتنا به شاهزاده سلجوقی تحت سرپرستی‌شان، حکومت را در خاندان خویش موروثی نمایند. از این نمونه اتابکان می‌توان از بنیانگذاران سلسله‌های محلی که با عنوان اتابکان فارس، اتابکان آذربایجان، اتابکان لرستان، اتابکان یزد و اتابکان موصل معروفند، یاد کرد.

موضوع تحقیق

بررسی نقش اتابکان آذربایجان در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در منطقه اران (آران) و قفقاز، موضوع مورد توجه در این پژوهش است. از آن‌جا که در این دگرگونی‌ها، نقش اقدامات نظامی چشمگیر می‌باشد، درگیری‌های نظامی اتابکان با گرجیان، شروانشاهان و سایر عناصر توانمند منطقه یادشده، مد نظر قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر دگرگونی‌های اجتماعی در این مناطق که معلول عملکردهای اتابکان آذربایجان است و از هنگام ورود سلجوقیان آغاز گردیده بود؛ بررسی می‌گردد.

از لحاظ فرهنگی در نظر است تا اقدامات فرهنگی و ادبی اتابکان همانند ترویج زبان و ادب پارسی در منطقه اران و قفقاز روشن گردد. در زمینه مذهبی به سبب مجاورت قلمرو اتابکان با دولت مسیحی گرجستان - سلسله باگراتونی - و نیز وجود اقلیت‌های ارمنی در آران و قفقاز، به نقش مذهب در تعارضات دو حکومت مسلمان و مسیحی پرداخته خواهد شد.

کوشش نگارنده بر آن است تا نخست منطقه آران و قفقاز را به لحاظ جغرافیایی شناسایی و معرفی کند، تا پژوهش مورد نظر به لحاظ مکانی تعریف شده باشد. سپس با تفکیک دوران حکمرانی هر یک از اتابکان، نقش آنان در تحولات یادشده مورد بررسی قرار می‌گیرد. سرانجام در یک نتیجه‌گیری کلی به تبیین موضوع پرداخته می‌شود.

این پایان نامه از هفت فصل، به شرحی که در پی خواهد آمد تشکیل می‌شود؛ پس از مقدمه، و بررسی منابع در فصل نخست، مختصری در مورد نهاد اتابکی و شکل‌گیری دولت اتابکان آذربایجان آورده می‌شود. در فصل دوم اوضاع سیاسی عراق عجم در

آستانه برآمدن اتابکان آذربایجان بررسی می‌گردد. در فصل سوم حدود جغرافیایی منطقه اران و قفقاز بررسی می‌شود. فصل چهارم به بررسی اقدامات سیاسی نظامی اتابکان آذربایجان در منطقه اران و قفقاز از آغاز فرمانروایی اتابک ایلدگز تا مرگ اتابک ابوبکر می‌پردازد. در فصل پنجم اقدامات سیاسی - نظامی اتابکان در دوره اتابک ازبک مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل ششم اقدامات فرهنگی ادبی اتابکان آذربایجان در اران و قفقاز بررسی خواهد شد. در فصل پایانی به پاسخ‌گویی به سوالات مطرح شده در رساله، رد یا اثبات فرضیه‌های تحقیق و نیز نتیجه‌گیری نهایی پرداخته می‌گردد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آن‌جا که مناطق واقع در شمال باختری ایران به عنوان یکی از سرحدات حوزه‌ی تمدنی ایران همیشه مورد توجه پژوهشگران تاریخ ایران بوده است و همچنین بدین سبب که تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی مناطق یادشده، بخش عمده‌ای از تاریخ مملکت ایران را بازگو می‌کند، روشن شدن تاریخ این منطقه دارای اهمیت فراوان است.

نکته دیگر این‌که در بررسی‌های تاریخی چنان‌که باید به تاریخ سلسله‌ها و دودمان‌های محلی ایران پرداخته نشده است. این مساله در مورد سرحدات ایران بیشتر صادق است و به دلایل گوناگون (که شرح آن در جای خود خواهد آمد)، پژوهشگران بیشتر به نواحی داخلی ایران عطف توجه کرده‌اند.

موضوع دیگر آن‌که بی‌تردید، تحولات تاریخی مناطق اران و قفقاز در دوره‌ی معاصر در تاریخ ایران جایگاه ویژه‌ای دارد با اطمینان می‌توان گفت شناخت دقیق مباحث یادشده، مستلزم آشنایی با تاریخ دوره‌های قبل از آن خواهد بود.

دگرگونی‌های تاریخی دوره‌ی مورد بحث در مناطق یادشده از سوی دیگر نیز شایسته پژوهش و کنکاش است زیرا که همیشه بازیگران اصلی این رویدادها مسلمانان ایرانی از یک سو و مسیحیان ارمنستان و گرجستان، از سوی دیگر بوده‌اند. این موضوع در شناخت مناسبات میان اسلام و مسیحیت اهمیت فراوانی دارد و در گفتگوی تمدن‌ها که از مباحث مورد توجه بین‌المللی در حال حاضر است، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- آیا تحولات داخلی ایران در عملکرد اتابکان آذربایجان در مناطق آران و قفقاز موثر بوده است؟
- ۲- آیا در برخوردهای اتابکان آذربایجان با گرجیان و ارمنی‌ها مفهوم ریشه‌دار دارالاسلام و دارالحرب مورد توجه بوده است؟
- ۳- در حالی که دل‌مشغولی عمده سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه درگیری وی با مغولان بود به چه دلیل وی در هنگام ورود به آذربایجان بی‌درنگ وارد درگیری‌های دیرینه میان حکمرانان آذربایجان با گرجیان گردید؟
- ۴- نقش اتابکان آذربایجان در گسترش زبان و ادب پارسی چگونه بوده است؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- اگر چه قلمرو اصلی اتابکان آذربایجان، شمال غرب ایران بود ولی نقش آنان به عنوان حامی اصلی سلجوقیان عراق عجم و درگیری‌های بعدی آنان با سلاطین سلجوقی و اختلافات میان دودمان ایلدگزی در دوره‌های پس از این به گونه‌ای چشمگیر بر اقدامات آنان در منطقه آران و قفقاز اثرگذار بوده است.
- ۲- القاب شمس‌الدین، نصره‌الدین، مظفرالدین و... که اتابکان آذربایجان برگزیده بودند، از رسالتی که آنان برای خود در حراست از مرزهای مسلمین و گسترش اسلام در دارالحرب، قائل بودند، حکایت می‌کند.
- ۳- با توجه به نقش اتابکان آذربایجان در پیشگیری از نفوذ مسیحیت در قلمرو خود و گسترش اسلام در آران، درگیری مداوم با گرجیان به صورت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای آنان درآمد بود؛ به همین دلیل جلال‌الدین خوارزمشاه نیز به هنگام ورود به این منطقه «به پیروی از سنت رایج» متوجه این مهم گردید.
- ۴- اتابکان آذربایجان همانند اتابکان فارس، به سبب پشتیبانی از ادبا و شاعران در تاریخ ادب ایران پرآوازه شدند و ادب پارسی و به ویژه شعر در این دوره سخت رونق و شکوفایی یافت.

روش تحقیق

روشی که در پرداختن به این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد کتابخانه‌ای است. بدین‌سان که منابع بر اساس اهمیت در آرایه اطلاعات مورد نظر، به منابع دست اول، مآخذ فرعی و تحقیقات جدید طبقه‌بندی می‌گردد. اطلاعات موجود در آن منابع که به انجام این پژوهش کمک خواهد کرد، از طریق فیش‌برداری، گردآوری می‌شود و سپس بر اساس توالی و تقارن زمانی، حوادث سازماندهی می‌گردد. نکته دیگر این‌که اطلاعات گردآوری شده در منابع گوناگون با یکدیگر مقابله و مقایسه خواهد شد و با استنتاج عقلی نقد و بررسی می‌گردد. با توجه به اطلاعات نقد شده منابع و مآخذ، موضوع مورد پژوهش در این پایان‌نامه به شیوه تحلیلی بررسی خواهد شد. سرانجام داده‌هایی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته با نتایج حاصل از آنها به شیوه‌ای منظم بر اساس توالی زمانی در محدوده جغرافیایی مشخص، در فصول متعدد به رشته تحریر درخواهد آمد.

پیشینه تحقیق

در مورد تاریخ سلسله اتابکان آذربایجان، در سال‌های اخیر موسی ضیاءالدین اوغلو کتابی با عنوان «اتابکان آذربایجان» تألیف کرده است. کتاب یادشده به سبب استفاده از منابع گرجی و ارمنی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اما بررسی روابط اتابکان آذربایجان با گرجیان در منطقه آران و قفقاز مدنظر مولف نبوده است. در کتاب «تاریخ مفصل ایران» تألیف عباس اقبال به صورت کلی راجع به سلسله اتابکان آذربایجان سخن به میان آمده است. همچنین در کتاب «تاریخ سلاجقه و خوارزمشاهیان» تألیف عباس پرویز اطلاعات مختصری راجع به اتابکان آذربایجان ارائه شده است. افزون بر این در کتاب «تاریخ ایران» (کمبریج ۵) که بدست تنی چند از خاورشناسان نگاشته شده است، از اتابکان آذربایجان و برخی حکومت‌های مجاور قلمرو آنان به صورت خلاصه سخن به میان آورده شده است.

با آن‌که عنوان کتاب ابراهیم قفس اوغلی، «تاریخ دولت خوارزمشاهیان» است، اما در بخش‌هایی از کتاب یاد شده به گونه‌ای کوتاه به روابط سلطان محمد خوارزمشاه و اتابکان آذربایجان و آران در دوره اتابک ازبک سخن می‌گوید. در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» تألیف ذبیح‌الله صفا نیز ضمن اشاره کوتاهی به تاریخ اتابکان آذربایجان، به اوضاع ادبی در عهد حکومت آن سلسله پرداخته شده است. اما تا آن‌جا که نگارنده بررسی نموده است؛ در مورد نقش اتابکان

آذربایجان در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در منطقه آران و قفقاز، تاکنون پژوهشی مستقل، جامع و کامل انجام نیافته است.

بررسی و نقد منابع

در مورد موضوع رساله یکی از منابع مهم و معتبری که در مورد تاریخ سال‌های پایانی سلسله سلجوقیان نوشته شده است، **سلجوقنامه نیشابوری یا ظهیری** می‌باشد. این کتاب در سال ۵۸۰ق نگاشته شده است. کتاب سلجوقنامه همان‌گونه که از نام آن پیداست به تاریخ سلسله سلجوقیان اختصاص دارد. اما ذیل آن که توسط ابوحامد محمد بن ابراهیم در سال ۵۹۹ق فراهم آمده، در مورد موضوع این پایان‌نامه اطلاعاتی ارزشمند ارائه می‌کند. کتاب به ذکر اجداد آل سلجوق، سلطنت پادشاهان سلجوقی تا طغرل بن ارسلان می‌پردازد. ذیل ابوحامد خاتمه تاریخ سلطان طغرل سوم را در بر دارد (نیشابوری، ۱۳۳۲).

کتاب **تاریخ ایوبیان یا مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب** تالیف ابن واصل دارای اطلاعات از اتابکان می‌باشد. از آن‌جا که نگارنده تالیف یادشده در بیرون از قلمرو اتابکان می‌زیسته است با دیدی دیگر به رویدادها می‌نگرد. البته ابن واصل از ابن اثیر تاثیر فراوانی گرفته است و به نظر می‌رسد سال تالیف کتاب وی به پس از سال ۶۲۸ق بر گردد. مولف از سال ۶۰۴ تا ۶۹۷ق زنده بوده است و جلد چهارم کتاب در بر دارنده رخدادهای سال‌های ۶۱۵ تا ۶۲۸ق می‌باشد که سال‌های پایانی اقتدار اتابکان آذربایجان را پوشش می‌دهد. در مقایسه با *الکامل*، تاریخ رویدادها اندک اختلافاتی دارد (ابن واصل، ۱۳۶۹).

ابن اسفندیار به سال ۶۱۳ق کتاب **تاریخ طبرستان** را نگاشته است. جلد دوم این کتاب به نظر اندیشمندی چون محمد قزوینی الحاقی بر تاریخ ابن اسفندیار است. این کتاب نبردهای سلطان تکش و قتلغ اینانج با سلطان طغرل سوم را از دیدگاهی متفاوت با دیگر منابع مورد بررسی قرار داده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰).

یکی از اصلی‌ترین و مهمترین منابع معتبر سال‌های پایانی اتابکان آذربایجان و ورود سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به منطقه آران و قفقاز کتاب **سیرت جلال‌الدین منکبرنی** نوشته نسوی می‌باشد. وی رئیس دیوان رسایل سلطان جلال‌الدین بوده و در روزگار سرگردانی خوارزمشاه وی را همراهی می‌کرده است. چون‌که نسوی خود شاهد بسیاری از رویدادها بوده است، می‌توان دیدگاه‌های را وی در این باره بر دیگر منابع اولویت و ترجیح داد. اگر چه

نبایستی جانب‌داری‌های وی را از خوارزمشاه در بسیاری از موارد از نظر دور داشت (نسوی، ۱۳۴۴).

کتاب **راحه‌الصدور و آیه‌السرور** در تاریخ آل سلجوق نوشته محمد بن علی بن سلیمان راوندی منبعی مهم در بررسی دوره فروپاشی سلجوقیان و آغاز چیرگی خوارزمشاهیان بر عراق عجم می‌باشد (راوندی، ۱۳۶۴).

کتاب **زبده‌النصره و نخبه‌العصره** که در اواخر سده ششم هجری توسط عمادالدین اصفهانی تألیف گردیده و به دست بنداری اصفهانی خلاصه شده است، اوضاع سال‌های پایانی دولت سلجوقیان و غلبه سلطان تکش را به خوبی بیان می‌کند (بنداری، ۱۳۵۷).

کتاب **ارزشمند تاریخ جهانگشای جوینی** نوشته عطاملک جوینی از منابع مهم دوره فروپاشی سلجوقیان و اقدامات جلال‌الدین خوارزمشاه در اران و قفقاز و نبردهای وی با گرجیان می‌باشد. در جلد‌های دوم و سوم این کتاب درباره اتابکان آذربایجان مطالب شایان توجهی وجود دارد (جوینی، ۱۳۸۲).

الکامل فی التاریخ (تاریخ بزرگ ایران و اسلام) که از مهمترین و ارزشمندترین منابع تاریخ ایران می‌باشد، توسط ابن اثیر به سال ۶۲۸ق به پایان رسیده است. در بی‌طرفی ابن اثیر تردیدی وجود ندارد و این حقیقت مهر تاییدی بر ارزش کار وی است. وی به سبب تعصب و حساسیت‌هایی که درباره هجوم غیر مسلمانان به مرزهای اسلامی داشته است، با توجهی ویژه به یورش‌ها و دست‌اندازی‌های گرجیان و مغولان به منطقه اران و قفقاز و سستی و ناتوانی دودمان ایلدگزی در دفع آنان پرداخته است. او با احاطه‌ای که بر رویدادهای مناطق پیرامون قلمرو اتابکان آذربایجان داشته است، تصویری زیبا از آن‌چه که بر این مناطق و نیز منطقه اران و قفقاز می‌گذشت به خواننده ارائه می‌دهد. وی همزمان با رویدادهای سال‌های پایانی روزگار اتابکان آذربایجان پیش می‌رفته است و سندیت کتاب وی در مورد رویدادهای پایانی آن بر دیگر گزارش‌های وی فزونی دارد (ابن اثیر، ۱۳۵۵).

کتاب‌های ارزشمند **روضه‌الصفای** میرخواند و **حبیب‌السیر** خواندمیر نیز از منابع شایان توجه در تدوین این رساله بوده است. روضه‌الصفا در سال ۸۹۹ق نگاشته شده است و تاریخ عمومی از زمان حیات آدم تا زمان حیات مولف می‌باشد. این کتاب بیشتر از منابع پیشین مانند: **تاریخ و صاف، جامع‌التواریخ و تاریخ جهانگشا** بهره گرفته است و در مواردی نویسنده مطالبی از خود بر آن افزوده است. در مورد اتابکان آذربایجان نکته‌های بسیاری در آن به چشم می‌خورد (خواندمیر، ۱۳۳۳). خواندمیر نیز در **حبیب‌السیر** از میرخواند پیروی می‌کند و تنها مطالبی را بر تألیف میرخواند می‌افزاید و درباره موضوع پژوهش نوآوری و مطلب تازه‌ای ندارد.

تاریخ گزیده اثر حمدالله مستوفی در اوایل سده هشتم هجری نوشته شده است و درباره اتابکان آذربایجان دربرگیرنده گزارش‌های ارزشمندی است (مستوفی، ۱۳۸۱).

کتاب **زبده التواریخ** (اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی) نوشته صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی حسینی به اخبار خاندان سلجوقی از آغاز تا پایان فرمانروایی آنان می‌پردازد. افزون بر این در پایان کتاب دو فصل کوتاه درباره اسامی سلاطین سلجوقی از طغرل اول تا سنجر شماره می‌شود. (فصل چهارم) و در فصل چهل و یک، آن دسته از مملوکان سلجوقیان را نام می‌برد که پس از آن سرسلسله و فرمانروا شدند. حسینی در اثر خود اطلاعات عمده‌ای درباره مناطق شمالی ایران و آذربایجان و ماوراء قفقاز به دست می‌دهد. واپسین رویدادی که در کتاب حسینی از آن سخن به میان می‌آید، درگذشت اتابک ازبک و پایان فرمانروایی خاندان ایلدگز به سال ۶۲۲ق است (حسینی، ۱۳۸۰).

۱- مختصری درباره اتابکان آذربایجان

۱-۱ نهاد اتابکی

پس از نمودار شدن آثار ضعف داخلی خلافت عباسی، فرمانروایان بسیاری از ولایت‌های مملکت ایران، کمابیش به حالت مستقل امور خود را انجام می دادند. این شیوه حکومت به ویژه در قسمت عمده‌ای از دوران حکومت آل بویه و در دهه‌های آغازین فرمانروایی غزنویان و در تمام دوره‌ی سلجوقی به گونه‌ای چشمگیر توسعه و گسترش یافت. ترکمانان سلجوقی به سبب گستردگی مملکتی که به دست آورده بودند، اداره‌ی آن را از حالت متمرکز^۱ خارج ساختند. (به خصوص که خود نیز پایتخت ثابت نداشتند.) این وضعیت تا اندازه زیادی مرده ریگ دوره‌های پیشین و به سبب فرستادن لوا و منشورهایی از سوی خلفای عباسی که به قصد ایجاد اختلاف در میان دشمنان و رقیبان خلافت انجام می‌گرفت، بود. پس از کشورگشایی‌های سلجوقیان در ولایات ماوراء قفقاز، شمار غلامان ترک قبیچاقی^۲ و خزر در دنیای اسلام رو به افزایش نهاد. از این جماعت، گروهی اندک اندک برای جلب محبت و توجه مخدومان خویش و یا به سبب بروز لیاقت از مرتبه‌ی غلامی بالاتر رفتند و به مقامات لشکری رسیدند. بر پایه عادت، «اعظام سلاطین سلجوقی، اولاد خود را به امرای عظام می‌سپردند و آن ملک‌زادگان از امیرانی که مربی ایشان بودند به اتابک یعنی اتابیک تعبیر می‌کرده‌اند» (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۳۳). گروهی از این غلامان مقام «لگگی» پیدا کردند. اتابک در ترکی به معنای پدر بزرگ است و کلمه‌ای است که اصل آن اتا(پدر) و بیگ(امیر یا عنوانی مهم در میان قبایل ترک) بوده است.

برگزیدن مربی برای فرزندان، در میان ترکان سلجوقی و غز پیشینه‌ای کهن‌تر داشته است. اتابکی رسمی بوده است که بر پایه آن سرکردگان فرزندان خود را برای تربیت، به ویژه در امور جنگی و سیاسی، به یکی از بزرگان کارآزموده می‌سپرده و به او لقب اتابک می‌داده‌اند؛ که هم به معنای پدر مجازی و هم به معنای امیر و بزرگ بوده است. این رسم گرچه به ظاهر پیشینه‌ای کهن داشته و همانند آن در گذشته ملل و اقوام دیگر نیز دیده شده است، اما برای

^۱ Centralism

^۲ قبیله قبیچاق(قفجاق، خفشاخ) که در منابع روسی پولوویتزها(polovits) و در منابع بیزانسی و اروپای غربی کومان‌ها(cumans) نامیده می‌شدند در اصل یکی از هفت قبیله کیماک به شمار می‌آمد که پس از جدا شدن از آن‌ها در سرزمین‌های غیرمسکونی دشت‌های غربی سکنی گزیدند (ستارزاده، ۱۳۸۴، ۱۷-۱۶).

لقب ویژه اتابک پیشینه‌ای کهن‌تر از زمان سلجوقیان وجود ندارد و گرنه این رسم در میان ایرانیان هم بوده است (لمبتون، ۱۳۶۳، ۴۶). کیکاووس پادشاه افسانه‌ای و کیانی، سیاوش فرزند خود را برای تربیت نزد رستم پهلوان معروف ایرانی به سیستان فرستاده بوده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱، ص ۸۸). در دوره ساسانیان نیز یزدگرد اول پسر خود بهرام را نزد منذر بن نعمان پادشاه حیره فرستاد، تا او را تربیت کند (زرین کوب، ۱۳۷۷، ۴۵۶؛ کریستن سن، ۱۳۴۵، ۲۹۸-۲۹۷). در تاریخ سلجوقیان از امیری به نام اتابک قطب‌الدین کلسارغ، سخن می‌رود که در ۴۴۴ق در جنگی که میان سلطان فرخزاد بن مسعود غزنوی و سلجوقیان روی داد، «به مقابله ایشان رفت آنان او را اسیر کردند و بند نهادند و به غزنه فرستادند و با او جماعتی از ارکان دولت سلجوقی را نیز اسیر کردند» به روشنی آشکار نیست که او اتابک کدام‌یک از شاهزادگان سلجوقی بوده است. اما می‌توان حدس زد که خواجه نظام‌الملک طوسی اتابک الب ارسلان بوده، او نخستین کسی است که لقب اتابک یافته است (حسینی، ۱۳۸۰، ۶۵-۶۴).

شاهد دیگر به گفته میرخواند آن که الب ارسلان پس از جنگ ملازگرد و چیرگی بر امپراطور بیزانس، وزیر خود نظام‌الملک ابوعلی حسن را به لقب اتابک و اتاخواجه که در آن هنگام چنین القابی ویژه امرای سلجوقی و غز بود؛ ملقب داشت (میرخواند، ۱۳۳۹، ۱/۴-۲۷۰). ابن اثیر در حوادث سال ۴۶۵ق می‌گوید که ملکشاه به نظام‌الملک اختیار تام داد و او را «والد» خواند و به او القابی داد که از جمله آن‌ها اتابک بود و اقطاعی افزون بر آنچه پیش از این داشت به او بخشید. (ابن اثیر، ۱۳۵۵، ۵۵/۱۷) از این گزارش بر می‌آید که به اتابکان ولایتی به عنوان اقطاع داده می‌شده است. شاید به این دلیل که با درآمدی که از آن اقطاع بدست می‌آوردند، وظیفه خود را بهتر انجام دهند.

به میزان افزایش اهمیت و اعتبار و گسترش مملکت سلجوقیان، بر اهمیت اتابکان نیز افزوده می‌شد. تا هنگامی که دولت مرکزی سلجوقی نیرومند بود؛ اتابک شاهزاده به همان مقام، منصب و اقطاع بسنده می‌کرد. پس از مرگ ملکشاه و آغاز سستی و زوال دولت و بالا گرفتن چالش میان فرزندان و نوادگان او، اتابکان که از سرکردگان بزرگ یا از غلامان کارآزموده و باتجربه‌ای بودند که به مقام امارت رسیده بودند، در پی آن شدند که در گستره اقطاع خود استقلال یا نیمه استقلالی یابند و مقام خود را به وراثت نهند. پادشاهان سلجوقی که در پی جنگ‌های پیوسته با یکدیگر، به سستی می‌گراییدند و افزون بر این بیشتر آنان در سال‌های جوانی در می‌گذشتند، نمی‌توانستند اتابکان را از قدرت‌یابی بازدارند و در بیشتر مواقع نیازمند یاری آنان بودند. از این روی برخی از اتابکان و فرزندان ایشان سال‌ها در گستره قلمرو خود به استقلال فرمان می‌راندند و شاهزادگان سلجوقی در دست آنان بهانه‌ای برای پاسداشت اقتدارشان بودند. به همین دلیل «هر کجا طفلی سلجوقی بود، امیری معروف او را به صد حيله به دست می‌آورد

و به طرفی می‌رفت» (ستوده، ۱۳۴۷، ۴۱). و «هر ترکی قبایی نو می‌یافت و تمنی اتابکی و خیال دادبکی می‌کرد و هر ترکی بقال بچه و قصاب بچه را و کیل خویش کرد و به دیوان پادشاه فرستاد تا شفاهت بروز بر می‌کرد و از آن وهن ملک و ضعف کار زیادت می‌شد» (افضل‌الدین ابوحامد کرمانی، ۱۳۵۶، ۷۲). به طوری که سلسله فرمانروایانی چون اتابکان شام، اتابکان موصل، اتابکان آذربایجان و اتابکان فارس و یزد در گستره اقطاع خود نیرو گرفتند و حکومتی موروثی پایه نهادند. از آن میان طغتكین بنیانگذار دولت اتابکان دمشق مملوک تتش سلجوقی (برادر سلطان ملکشاه) و عمادالدین زنگی مؤسس دولت اتابکان موصل و حلب از مملوک‌زادگان سلطان ملکشاه سلجوقی بودند (لین‌پول، ۱۳۶۳، ۲-۱۴۱).

سپردن شاهزادگان سلجوقی به دست اتابکان از اشتباهات بزرگ سلجوقیان بود که در پایان باعث فروپاشی مملکت آنان شد؛ زیرا اتابکان افزون بر تربیت شاهزاده‌ای که معمولاً کم سن و سال بود، سر و سامان دادن به اقطاعی را که شاهزاده در آن جا مقام داشت را نیز بر عهده داشتند. بیشتر اوقات برخی از اتابکان شاهزاده تحت سرپرستی خود را به بهانه‌ی به تخت نشاندن وی، تشویق به شورش می‌کردند و امور مملکت را به اغتشاش می‌کشاندند. بنابراین در واپسین سال‌های دوره‌ی سلجوقیان چون پادشاهان آن سلسله ناتوان شدند؛ اتابکان به بهانه‌ی پشتیبانی از شاهزاده تحت سرپرستی خود؛ ازسوی آن شاهزاده دعوی نیابت سلطنت می‌کردند. اتابکان آذربایجان نیز با این شیوه قدرت یافتند.

۱-۲ شمس‌الدین ایلدگز بنیانگذار سلسله اتابکان آذربایجان

ایلدگزیان سلسله‌ای از امیران ترک بودند که بیشتر ولایت آذربایجان بزرگ را به جز ناحیه پیرامون مراغه که در دست سلسله دیگری از اتابکان، یعنی اتابکان احمدیلی بود افزون بر اران و شمال ناحیه جبال در طی نیمه دوم سده ششم (هنگامی که پادشاهی سلاجقه بزرگ در باختر ایران و عراق عجم رو به زوال نهاده بود و نمی‌توانست از برآمدن قدرت‌های مستقل در آن ایالت بازداری کند) در چنبره قدرت خود داشتند. اتابکان آذربایجان بزرگترین پشتیبان سلجوقیان بودند و هنگامی که آنان توانمند بودند؛ سلجوقیان نیز در آرامش به سر می‌بردند. پایه‌گذار این سلسله را ایلدگز می‌دانند. گفته‌اند که او را از دشت قبچاق به بردگی به همدان آوردند و در زمره غلامان کمال‌الدین علی سمیرمی، وزیر محمود بن محمد سلجوقی در آمد (نیشابوری، ۱۳۳۲، ۷۵؛ افضل‌الدین ابوحامد کرمانی، ۱۳۵۶، ۷۲؛ خواندمیر، ۱۳۳۳، ۲۰۶). گزارش‌های مربوط به آغاز کار ایلدگر همانند برخی از فرودستانی که به مسند حکمرانی و شهریاری برآمدند، با افسانه‌هایی در منابع متاخر درآمیخته است. خواندمیر در حبیب‌السیر این‌گونه آورده